

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۰۷ فیروزی ۲۰۲۳

نویسنده: مرجان کمال

بازنگری و تبصره: حمید انوری

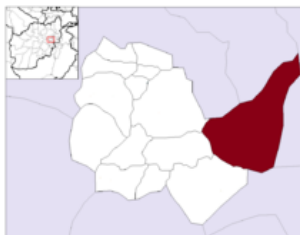
از لابلای کتاب ماندگار "افغانستان در تلاطم تاریخ"



قسمت سوم

در این قسمت از نقل معلومات خیلی جامع و دلچسپ در مورد ولایات و ولسوالی های آنها، خودداری می شود چون سخن به درازا میکشد، اما حیف است اگر معلومات مفصل، مستدل و تاریخی و اجتماعی در مورد ولسوالی سروبی، ولایت کابل را که با زحمات و تلاش های زیاد زنده یاد مرجان کمال تهیه گردیده و از اغلب معلومات دیگر در این مورد در اینترنت، مشرح تر و حاصل چشم دیده ها و تجربیات شخصی آن دخت عاشق افغانستان و مردم آن می باشد، با هموطنان علاقمند شریک ناساخته بگذرم.

سروبی



"سروبی در شرق کابل موقعیت دارد، در ابتداء چیزی که به نظر می خورد عبارت از یک تعداد ساختمان های سمندی (که عبارت از ساختمان های مدرن مانند ساختمان های مکروریان در شهر کابل است، که توسط روس ها ساخته شده بود، ناگفته نماند که همه به

salamwatanam@gmail.com

حالت ویران و اطراف آن ماین گذاری شده است) در اطراف یک حوض خشک که در هوای آزاد قرار داشته و در همان قسمت حوض که نمایانگر چند پله زینه است که از آن برای پرش نمودن در آب استفاده می شد، با راکت پرانی هائی که در هنگام جنگ های ۱۹۹۲ - ۱۹۹۶ میلادی به وقوع پیوست، که به اوج خود رسیده بود، تخریب و از بین رفته است.

در سال های ۱۹۶۰ میلادی این ساختمان ها جای بود و باش آن هائی بود، که در اعمار بند های برق در سال های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی کار می کردند. (بند برق ماهیپر در سال ۱۹۵۴ میلادی و از سروبی در سال ۱۹۶۰ میلادی توسط آلمان ها ساخته شده بود، و بند برق نعلو توسط روس ها در سال ۱۹۵۷ میلادی ساخته شده است).

ویرانه های هتل سابق سروبی، که امروز کاملاً به مخروبه مبدل شده است در کنار و حاشیه بند سروبی واقع است که به دریای کابل ارتباط دارد، هتل سروبی در سال ۱۹۶۰ میلادی مورد استفاده خارجی هائی قرار داشت که برای همکاری جهت ساختن بندهای برق در آنجا حضور داشتند و همچنان یک تعداد کابلی ها که برای تفریح و میله در اطراف بند سروبی در آن هتل می آمدند. این هتل در داخل یک پارک موقعیت دارد که دارای درخت های کاج و در حاشیه بند سروبی، که از جانب شمال توسط زمین هائی که مربوط به فامیل شاهی می شود و به نام باغ رئیس یاد می گردد، موقعیت داشت.

دور نمای سروبی اتصال یافته به دور تقاطع دو سرک که هر دو سرک به کابل می روند. سرک ماهیپر بعد از دوباره سازی در سال ۲۰۰۵ - ۲۰۰۶ میلادی که توسط اتحادیه اروپا تمویل گردید، اجازه می دهد تا در ظرف یک و نیم ساعت به پایتخت، کابل رسید. نقطه شروع آن نشان دهنده راه دخول شرقی شهر کابل است، و رسیدن به سروبی بعد از عبور از دره تنگ کوهستانی که در امتداد دریای کابل واقع می باشد، امکان پذیر است.

سرک لته بند، یک سرک است که اجازه می دهد به طور اوسط در ظرف چهار ساعت به کابل برسیم، هر دو سرک در قسمت داخل شدن به سروبی با هم یکجا می شوند، در تقاطع هر دو سرک یک استیشن پترول (تانک تیل) موقعیت دارد. و همچنان در هر دو طرف سرک سروبی - جلال آباد، بازار سروبی واقع است، که عبارت اند از بازار های میوه جات و سبزیجات، تکه های صادراتی پاکستانی، و بعضی مواد صنعتی که نیز از پاکستان وارد می شود، گراج های ترمیم موتر، مغازه های کست فروشی DVD و CD، و یک دکان فروش تیلیفون های موبایل.

مرکز اداری ولسوالی سروبی به عین نام یاد می شود، ولسوالی سروبی مربوط به ولایت کابل می باشد. قوماندانی امنیه پولیس ولسوالی در مقابل مرکز اداری، در دهنه سرک ماهیپیر در کنار بند قرار دارد.

یک محکمه برای حل مسائل قضایی که در سال ۲۰۰۶ میلادی در عقب مقر اداره ولسوالی ساخته شد، در پهلوی خرابه های هوتل سابق سروبی قرار دارد.

ساختمان های سمندی که در سال ۱۹۵۰ میلادی ساخته شده اند، در پائین سرک لته بند موقعیت دارند. در بالای آن ها تپه های بلند به نظر می خورد و بالای تپه ها، خانه های گلی پخسه بی یکی بالای دیگر قرار دارند. در سال ۲۰۰۵ میلادی در بالای تپه ها خانه های فرسوده قرار داشت که در حالت غلتیدن (ویران شدن) بودند، و مردم محل در آنها زندگی می کردند. در بین یکی از آن ها یک مسجد قرار داشت که از بقیه شهر توسط یک پل که در سال ۱۹۵۷ میلادی ساخته شده بود، خود را مجزا ساخته است، یک تعداد خانه های پخسه بی، به تازگی و دوباره ساخته شده است. در قسمت بالایی دیوارهای احاطه، از جعبه ها و یا پوش راکت ها برای ریزش آبها استفاده گردیده است، که در جویچه های خورد در سرک های تنگ سرازیر، و مواد فاضله را با خود انتقال میدهد. در هنگام ساختن این سه بند برق در سال ۱۹۵۰ میلادی و ۱۹۶۰ میلادی، سروبی با تغییرات بزرگ و دوامدار جمعیت رو به رو گردید. دهاقین و زار عینی که بالای زمینهای خود کار می کردند، نظر به بوجود آمدن یک بند مصنوعی و زیر آب شدن زمین های شان، برای شان در حدود صد کیلومتر دورتر در ناحیه بتی کوت در ننگرها زمین داده شد. برای ساختن بند ها ضرورت به کارگر زیاد بود، که از ولایات همجوار جمع گردیده بودند.

اکثریت باشندگان تپه ها یک عضو فامیل شان در وقت ساختن بند نغلو، در ساختن بند کار می کردند، هنوز هم در بند نغلو، یگانه بندی که هنوز هم یعنی در سال ۲۰۰۵ میلادی از آن استفاده به عمل می آید، کار می کنند. سروبی وال ها (Sorubiwâls) اصیل ولایات همجوار لغمان و کاپیسا و حتی از کابل هستند، در آنجا از اقوام پشتون، پشه بی و تاجک از دو نسل در سروبی زندگی میکنند، و این نشان دهنده چند قومی بودن (multi - ethnicité) اهالی میباشد. در اکثر شهرهای افغانستان اقوام در کنار هم و بصورت مشترک زندگی میکنند، و همه شهرها Ethniques-Multi کثیرالقومی اند.

البته از آن زمان (۲۰۰۶) تا این زمان (۲۰۲۳)، سروبی بارها و بار بار بمباردمان، تخریب و از این رو به آن رو شده است و آنچه از تجاوزگران روسی جان به سلامت برده بود، از سوی تجاوزگران

امریکائی و متحدین غربی آن با خاک یکسان گردید، بخصوص که "توره بوره" در فاصله اندکی از سروبی قرار دارد و اشغالگران خارجی را خاری بودی اندر چشم.

و اما قراریکه روانشاد مرجان کمال آورده است: "... ناگفته نماند که همه به حالت ویران و اطراف آن ماین گذاری شده است..." و این حالت را تنظیم جنگی های تهوع آور به وجود آورده بودند که در آن ماین گذاری ها و تخریبات سیستماتیک، نقش اساسی را خود تنظیم های "جهادی" یا بهتر گفته شود "سوداگران جهاد" به عهده داشتند، همان هائی که نور چشم نیروهای امریکائی بوده و همه به سوداگران بزرگ در منطقه مبدل گردیده و راه خود گرفتند و رفتند، درست مانند بابان امریکائی خود که در بدترین اوضاع و احوال که خود به وجود آورده بودند، مردم مظلوم افغانستان را گوشت دم توپ ساخته و خود فرار را بر قرار ترجیح دادند و...

"... از جعبه ها و یا پوش راکت ها برای ریزش آبها استفاده گردیده است، که در جویچه های خورد و در سرک های تنگ سرازیر، و مواد فاضله را با خود انتقال میدهد..."

البته راکت های روسی منظور نظر بوده باشد که بعد از کشتار هموطنان شریف ما و تخریب کلبه های غربیانه شان توسط تجاوزگران روسی و ایادی داخلی شان(خلقی ها و پرچمی های شرف باخته)، بقایای آنها را مردم منطقه یا ناودان ساخته بودند و یا هم در بعضی موارد گلدان و اشیای



زینتی. آنچه روانشاد مرجان در مورد تخریبات وسیع سروبی بین سال های نوشته است، "... جنگ های ۱۹۹۲ - ۱۹۹۶ میلادی..."، همانا سگ جنگی های قدرت طلبی تنظیم های "جهادی" است که دمار از روزگار مردم دربند کشیده شده افغانستان به در آوردند و تنها و تنها در کابل بیش از شصت و پنج هزار (۶۵,۰۰۰) کشته بجا گذاشت.

عجب صبری خدا دارد که پرده بر نمی دارد

وگرنه بر زمین افتد ز جیب محتسب مینا

و اما خلق خدا را که صبری بیش از این نیست و نخواهد بود، خواهی نخواهی، دیر یا زود؛ امروز یا فردا، این پرده ها را خواهند درید و پرده بر خواهند داشت؛ و امید است عمر یاری کند تا همه شاهد چنان ایام و روزگاری باشیم که حق عاقبت به حقدار برسد.